



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۰۰	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۱۰۰
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یکشنبه ۱۸ اسفند ماه ۱۳۰۸ مطابق ۸ شوال ۱۳۴۸	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کاپیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود مطبعة مجلس	تهیه اشتراك ایران سالانه ده تومان دوازده تومان تهیه تک شماره بک قران

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبہ ہیچدم اسفند ماہ ۱۳۰۸ (ہشتم شوال ۱۳۴۸)

فہرست مذاکرات

- | | |
|---|---|
| ۱) تصویب صورت مجلس | ۵) تقدیم لایحہ وزارت اقتصاد ملی |
| ۲) مذاکرات راجع پرورد و عدم ورود در دستور | ۶) بقیہ شور ثانی لایحہ تأمین مدعی بہ از مادہ ۲۱ |
| ۳) تصویب یک فقرہ مرخصی | ۷) تقدیم لایحہ تثبیت مسکوک راجع مملکت و تبدیل واحد آن بحالا |
| ۴) بقیہ شور دوم لایحہ تبدیل قانون طبابت | ۸) موافق و دستور جلسہ بعد - ختم جلسہ |

مجلس یک ساعت و چہل دقیقہ قبل از ظہر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس سہ شنبہ سیزدہم اسفند ماہ را آقای اورنگ (منشی) قرائت نمودند

- | | |
|---------------------------------|----------------------------|
| رئیس - آقای اورنگ | فیروز آبادی - قبل از دستور |
| اورنگ شیخ الملکی - قبل از دستور | رئیس - آقای کازرونی |
| رئیس - آقای وثوق | کازرونی - قبل از دستور |
| سید مرتضی وثوق - قبل از دستور | رئیس - آقای حیدری |
| رئیس - آقای فیروز آبادی | حیدری - قبل از دستور |

عین مذاکرات مشروح صد و پنجمین جلسہ از دورہ ہفتم تقنینیہ باسننای مذاکرات قبل از دستور (مطابق قانون ۸ آذر ماہ ۱۳۰۵) دایرہ تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین کہ ضمن صورت مجلس خواندہ شد : غائبین با اجازہ - آقابان - حسنعلی میرزا دولتشاہی - اسدی - کاشانی - اورنگ - ارباب کبچسرو - رفیع - تہودر تاش - غائبین بی اجازہ - آقابان : میرزا حسن خان وثوق - بوشہری - آصف - اعظم - لرستانی - فوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابو الفضل - حاج محمدی - حاج حسین آقامہدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک - آمدگان با اجازہ - آقابان : روحی - عبدالحسین خان دبا - قاضی نوری - آصف - مقدم - بیات

رئیس - آقای زوار

زوار - قبل از دستور

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در صورت جلسه دو چیز را

بنده توجه میدهم یکی آن ماده که بعد از رفع توقیف محتاج نباشد که از ثبت اسناد خبر داده شود آقای مخبر جواب دادند که مقصود هم همین است در صورت مجلس نوشته شده است که مخبر توضیح داد جمله که مقصود هم همین است بایستی اضافه شود یکی دیگر هم در آن ماده دیگری که بنده گفتم مطابق ماده هفده بعد آقای مخبر قرار داد که عوض مقررات مواد نوشته شود یعنی در ماده هفده که ضامن میدهد مخبر قبول کرد که مقررات برداشته شود مواد نوشته شود اینجا این کلمه را تذکر میدهم که یاد آوری شود

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

[۲ - مذاکرات در اطراف ورود و عدم ورود در دستور]

جمعی از نمایندگان - دستور

اورنگ - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

اورنگ - بنده خود را ملزم میدانم باظهار تشکر و ضمناً تذکری که لازم بود در محضر نمایندگان محترم یکی از نمایندگان - بلندتر

اورنگ - بواش یواش . تذکری که لازم بود در حضور

نمایندگان محترم بعرض برسد . چنانچه خاطر همه آقایان مسبوق است بنده بواسطه کسالت کمتر بیرون میام در دوسه روز قبل از این بواسطه حاجتی شاید اغلب آقایان مسبوق باشند بطرف جنوبی شهر بنده رقوم برای انجام يك مهمی و پس از مشاهده قسمت جنوبی شهر حقیقه منصفانه بکوصعتی از اداره بلدیه و اقدامات بلدیه در قسمت جنوب شهر مشاهده کردم که البته تصدیق میفرمائید قابل

این است که انسانی تشکر کند از اقدامات اداره بلدیه (طلوع - ادای وظیفه میکنند تشکر ندارد) اگر چنانچه اقدامات کارکنان بلدیه را انسان به بیند قابل این هست که انسان در هر مرحله هر عمل صحیحی را از هر اداره مشاهده کرد تشکر کند و این تشکر خود تشویقی است از کارکنان طهران - انتظامات بهم میخورد در مخالفت دستور بگوئید

کازرونی - بگذارید صحبت بدارند

(صدای زنگ - دعوت بسکوت)

اورنگ - اداره که وظیفه خود را بخوبی از عهد

بر بیاند و ضمناً تذکری را هم لازم میدانم دادیم و آن این است که در سه ماه قبل (بعضی از نمایندگان با همههمه - دلیل مخالفت بادستور را بفرمائید) (صدای زنگ)

رئیس - علی ای حال بگذارید حرفشان را بزنند

اورنگ شیخ الملکی - در سه ماه قبل اقدامات

از طرف اداره بلدیه در جلو خان بهارستان شده و این اقدامات هنوز منتج نتیجه نشده است در ضمن آن تشکر خواستم تذکری داده باشم که کارکنان بلدیه در این قسمت هم صرف مساعی کرده باشند که زود این عمل در اینجا صورت عملی بخود گرفته باشند و بجز این تشکر را بنده لازم میدانم امر رز عرض کرد باشم سوای این هم عرضی ندارم و این قبیل و فلها بیخود بود

رئیس - چون يك قضیه را گفتند که در حدود

بنده است از این جهت آنرا میخواهم توضیح دهم. اولاً جلو خان مجلس را یاد آوری کردند قبلاً با مذاکره شده و با استحضار بنده اینجا را برای بهتر کردن و برای آماده ساختن دست زدند (صحیح است) اگر اقدامی هم نشده است برای خاطر این است فصل مساعد نبوده است و خود آقای کفیل بلدیه

آگاه کردند که بهترین تاسیسات را در این نقطه خواهند کرد بطوریکه متناسب باشون مجلس شورای ملی باشد فریباً آماده خواهد شد (نمایندگان - صحیح است) جمعی از نمایندگان - دستور

رئیس - وارد دستور شویم؟

بعضی از نمایندگان - بلی

[۳ - تصویب يك فقره مرخصی]

رئیس - رابرتی رسیده است از کمیسیون عریض

مرخصی قرائت میشود:

خبر کمیسیون:

آقای امیر ابراهیمی نماینده محترم برای مسافرت کرمان و انجام بعضی امور تقاضای یکماه مرخصی از ریخ حرکت نموده اند کمیسیون بامرخصی ایشان موافق اینک خبر آنرا تقدیم میدارد

افسر - اول برای ورود در دستور باید رأی گرفته

بود (صدای زنگ)

رئیس - اظهارات جنابعالی را بنده یا خبر و بستان

مانی میدانم

افسر - باید رأی گرفته شود اینطور نمیشود

رئیس - بکفتر مخالفت کرد و او حرف خودش را زد

باید ندارد

آقای ملک مدنی - باخبر موافقت؟

ملک مدنی - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده البته در این مخالفتهاهی که کرده ام هر چه باید عرض کنم کرده ام نظرم هم باین است در مخالفتم بدون استثنا که حقوق زمان مرخصی را انسان تخصیص بدهد بصارف عام المنفعه باین ملاحظه بنده بدون تفاوت با اشخاص مخالفت میکنم بعضی اوقات هم بعضی اشخاص هستند که مکرر اجازه مرخصی گرفته اند باز هم میخواهند خودشان بایستی انصاف بدهند که حقوق این زمان مرخصیشان را تخصیص بیک مصارف عام المنفعه بدهند بنده باین نظر مخالفم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - آقای فیروز آبادی اصولاً در هر رابرت مرخصی مخالفت میکنند ولی بنده باید بعرضشان برسانم که آقای امیر ابراهیمی برای کارهایی که مفید است برای محل مرخصی خواسته اند و این مسافرت از نقطه نظر انجام امور محلی است و تقریباً يك نوع وظیفه است که ایشان انجام میدهند استدعا میکنم آقای هم موافقت بفرمایند

رئیس - موافقین با مرخصی آقای امیر ابراهیمی قیام

فرمایند (اکثر بر خاستند) تصویب شد

[۴ - بقیه شور دوم لایحه تمدید قانون طبابت]

رئیس - در نتیجه قابل توجه شدن پیشنهاد آقای

دکتر سنک ماده واحده متعلقه به تمدید قانون طبابت

به کمیسیون ارجاع شد رابرتی داده اند که قرائت میشود:

خبر کمیسیون:

کمیسیون معارف با حضور آقای وزیر معارف پیشنهاد

آقای دکتر سنک و سایر پیشنهاد های آقایانرا که در

شور دوم قانون تمدید قانون طبابت را مطرح شور

قرار داده و به ترتیب ذیل تصمصیم گرفته شد که خبر آن

تقدیم مجلس شورای ملی میشود

ماده واحده - مجلس شورای ملی قانون طبابت مصوب ۲۸

شهریور ۱۳۰۶ را با ماده الحاقیه آن مصوب ۲ آذر -

۱۳۰۶ از تاریخ انقضاء برای مدت سه سال تمدید مینماید و وزارت معارف مکلف است نظامنامه اجرای آنرا تنظیم و پس از تصویب کمیسیون معارف مجلس شورای ملی بموقع اجرا گذارد

تبصره ۱ - امتحان مذکوره در قانون فقط سالی یکمرتبه در نیمه مهر ماه هر سال بعمل خواهد آمد

تبصره ۲ - طبائی که مشمول ماده اول قانون ۲۸ شهریور ۱۳۰۶ هستند و تاکنون مدارک خود را تسلیم اولیاء معارف در مرکز و ولایات ننموده اند مکلف هستند از تاریخ تصویب این قانون تا اول مهر ۱۳۰۹ مدارک خود را در مرکز بوزارت معارف و در ولایات بنمایند معارف تسلیم نمایند

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده از آنجائی که همیشه مثل آقایان نظرم اینست که اسباب رفاهیت و آسایش نوع بشر را باید فراهم کرد و بعقیده خودم هر کسی که مخالف این عقیده باشد او را بشر نباید دانست بلکه او را سبع باید دانست یا يك کارخانه کثافت سازی باید دانست باین مناسبت بنده بعضی مخالفتها میکنم و بعضی وقتها هم از آقایان دکتر ها و دوا سازها خواهش میکنم که يك مراعاتهایی نسبت ب مردم بکنند در این زمینه هم بعضی عرایض داشتم که میخواستم عرض کنم اما میبینم بخوام عرض کنم باز تأخیر میافتد و این بیچاره هائی که در طهران سرگردانند بهمین حال باقی میمانند باین ملاحظه بنده باین ترتیب موافقت میکنم که امروز بگذرد بهمین سه سال هم اکتفا میکنم نظر خودم هم پنجسال بود باین مناسبت برای اینکه تعویق نیفتد بنده صرف نظر از مخالفت خودم میکنم که امروز بگذرد و اینها راحت شوند بروند

رئیس - آقای دکتر سنگ

دکتر سنگ - فرمودند نقطه نظرشان رفاهیت و

آسایش عمومی است (فرشی - بلند تر) بنده عرض میکنم این قانون طوری تنظیم شده است که آسایش عمومی کاملاً منظور شده و نظریات هم را تأمین میکند تا قصدی هیچ نداریم بیانات چند روز پیش من شاید در اطراف آن زیاد مذاکره شده بنده بر علیه يك دست یا بر له دسته دیگر نیستم بنده هیچ قصدی ندارم مگر اینکه آتھائی که میخواهند باجان مردم سروکار داشته باشند عالم باشند هیچکس منکر این نیست که يك شخص جاهل برود سرو کار داشته باشد با جان مردم شما ملاحظه بفرمائید این محبتی را که راجع بساختن بیمارستان میفرمائید این کلمی که بشیر و خورشید سرخ کردید حقیقتاً بنده همه گونه تمجید است اگر شما یکی از آقایانی که در اینجا دل همه مان برای آنها میسوزد پیشنهاد شود که ایشان زمامدار این بیمارستان باشند قبول خواهید کرد هیچوقت (فیروز آبادی - اگر بالاتری پیدا نشود چرا البته چه چیز است که انسان را بالاتر میکند؟ علم است بنده اگر پنجسال را پیشنهاد کردم برای این بود که در سال دوره تحصیلی طب بود در هر جا در تمام دنیا هر کسی تحصیل طب میکند اقلش پنجسال است پنجسال بنده مقدماتش دو سال پستن سه سال دیگر داخل طبش تحصیل بکنند ولی آقایانی که در اینجا هستند اگر عرض کردم پنجسال بشود برای این بود که این آتھاء در این مدت يك فرجه داشته باشند که تمام اینها که میخواهند بفرستند بپرستاری آن بیچاره هائی که دور دست هستند ملاحظه بفرمائید آیا قمار مرض شخصیت نیست اشخاص در نظر و مقابل مرض تیفوئید بکنند يك میکرب تیفوئید هیچ نمیشناسد که این غنی است و فقیر است این کد خداست دیگری رعیت است ایشان ارباب است مالک است یا چیز دیگر همینطور طبیب می رود آنجا باید عالم باشد. اگر خوب دقت بفرمائید تصدیق خواهید کرد که بنده نخواستم در اینجا بر خلاف آقایان عرض بکنم آقایان هم که مرمت فرمودند

به پیشنهاد بنده رأی دادند برای این بود که میدانستند که جز حقیقت گوئی در خاطر من چیزی نیست رفتیم در کمیسیون يك قانون خیلی خوبی آقایان تنظیم کردند و امیدوارم آقا هم موافقت بفرمایند و سخن را در اینجا کوتاه کنند

بعضی از نمایندگان - ایشان مخالفت نکردند

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده يك سئوالاتی داشتم میخواستم آقای مخبر جواب بدهند اولاً حالا که بنامش دو سال با پنجمال یا سه سال بنده عقیده دارم که خود روش مملکت و روش تمدن و ترقی اینست که قهراً چراغ الکتریک و برق که آمده است آن چراغها از بین می رود قهراً وقتی که طبای دانای ما که از این مدارس که سابق منصله دارند بیرون می آیند قهراً طبیب های قدیم از میان میروند اگر اعضا کمیسیون موافقت میکردند که بکلی تعیین وقت را از بین میبردند باین معنی که وقتی اطباء ما زیاد شوند قهراً اطباء قدیم کم کم از بین خواهند رفت دیگر تجدید کردنش محتاج نیست حالا که موافقت کردید و تجدید کردید به سه سال بنده عرضی ندارم در تبصره آخر نوشته است که مکلف هستند تا ۱۳۰۹ مدارک خودشان را در ولایات باسراکر بدهند حالا این دیگر ندارد که اگر تخلف شد بعد از ۱۳۰۹ مدارک قانونی داشته باشند آن مدارک محل اعتبار هست یانه مثلاً خواستم به بینم که این تبصره مثل مدارک راجع باستخدام است که معین کردیم تا اول مهرماه بدهند که اگر بدهند دیگر وزارت مالیه نخواهد پذیرفت. اینهم همینجور است که اگر بعد از آن موقع دارای مدارک صحیحه باشند باینند بدهند در مرکز یا ولایات پذیرفته میشود یا نمیشود؟ خواستم این را توضیح بدهم.

دکتر طاهری (مخبر) - منظور از این تجدید

همینطور که تعبیر فرمودند این است که اشخاصی که تا تاریخ تصویب این قانون و تا ششماه دیگر نتوانند مدارکی برای اینسکه مشمول ماده اول قانون مصوب ۱۳۰۶ باشند تهیه کنند اگر چنانچه دادند مدارکشان را و وارد امتحان شدند که هیچ داده اند یعنی عبارت هستند از اشخاصی که صورتشان در وزارت معارف یا اداره معارف هر محلی موجود است اگر يك عده دیگر از اشخاص موفق نشدند در این دو سال که مهلت داشتند باینند امتحان بدهند یا نبودند آنها هم در مدت هفت ماه مدارک خودشان را بدهند یا در مرکز یا در ولایات به اداره معارف منظور از این ماده این است که این سه سال که اینجا مهلت داده شد اگر ما این حد را معین نکنیم اشخاصی که هفت سال میگویند مشغول طبابت بودیم سه سال هم در اینجا مهلت دارند این میشود ده سال (دکتر سنگ - هلم چرا از اینجا شروع میشود) آنوقت اشکال از اینجا پیدا میشود و این را تصدیق میفرمائید از روی همان نظریه که فرمودید در ضمن طبای دیپلمه دارند تهیه میشوند عجاله اشخاصی که تا حالا مشغول طبابت بوده اند وقتی که خودشان را در سه دوره امتحان حاضر کردند دیگر کافی است که باینها اجازه داده شود و دیگر يك عده دیگری از اینها تهیه کردن لزومی ندارد از این نقطه نظر است که اینها تقریباً صد نفر یا صد و بیست نفرند و غالبشان تقریباً صد نفرشان حاضر شده اند در امتحانات اسنادشان را داده اند اگر بیست نفر هم مانده اند در این ششماه ببرند بدهند جمعی از نمایندگان - کافی است مذاکرات

رئیس - کافی است؟

بعضی از نمایندگان - بلی

رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای ملک زاده

تبصره - طبائی که برطبق این قانون مجاز به

طبابت کردن میشوند باید اقل ششماه در یکی از مریضخانه‌های مرکز یا ولایات کار کرده و عمل دیده باشند

رئیس -- آقای ملک زاده

دکتر مهدیخان ملک زاده - تماسی که این قانون بازندگی عمومی دارد ایجاب میکند که عقاید خود را عرض کنم امروز در تمام ممالک متمدنه دنیا ثابت شده است بزرگترین سرمایه برای یک ملتی از هر نقطه نظر از نقطه نظر اقتصاد (که خوشبختانه امروز در مملکت ما مورد بحث و توجه هیئت دولت واقع شده است) از نقطه نظر حفظ استقلال مملکت و از نقطه نظر نظامی عبارت است از عده افراد و تمام سعی و کوشش علماء متوجه براین است که کوشش بکنند در ازدیاد نفوس و جلوگیری از تلفات پس هر قدر این موضوع از هر نقطه نظر مورد بحث و مورد توجه واقع شود بعقیده بنده قدر و قیمت دارد از دیاد نفوس در یک مملکتی از دوراه ممکن است: یکی از راه زیاد کردن توالد و تناسل و یکی جلوگیری از تلفات (صحیح است آقا) زیاد کردن توالد و تناسل مجبورم این را عرض کنم که هر قدر که تمدن در ممالک بیشتر میشود توالد و تناسل در ممالک کمتر میشود (صحیح است) و این چیزی است که احصائیه های دقیقی که در ممالک متمدنه نوشته اند و مطالعه کرده اند ثابت کرده اند امروز با وجود وسایل کثیره متعددی که دولتها و مؤسسات خیریه از برای کمک بزهای حامله از برای کمک بفقرائی که نمیتوانند وسایل (فیروز آبادی - از دواج را) زندگانی خودشان یا ازدواج را فراهم بکنند متأسفانه نتوانسته اند این عدد را بالا ببرند (فیروز آبادی - صحیح است) بعد از جنگ بین المللی موقه یک قدری بر عده توالد و تناسل در بعضی از ممالک افزوده شد ولی متأسفانه وقتی باحصائیه ها نگاه میکنیم می بینیم بقهرا برگشته است و تقریباً توالد و تناسل این ساعت در تمام ممالک متمدنه دنیا در همان حدود قبل از جنگ بین المللی است (کازرونی - بواسطه تمدن بهیمی است) پس حالا که از این راه نشد نفوس

مملکت را زیاد کرد و از طرف دیگر باز متأسفانه از این نقطه نظر که هر قدر تمدن زیاد میشود بلکه وسایل تلفات از برای نوع بشر زیاد تر میشود متلاعن میکنم در نتیجه ارتباطی که در نتیجه تکثیر وسایل نقلیه سریع السیر آئر و پلاناها و بالاخره بواسطه ارتباطاتی که در موقع جنگ بین المللی پیدا شد می بینید مرض گریب در ایران نبود مرض گریب در نتیجه جنگ بین المللی با ایران آمد و سالی نیست که هزارها نفوس زکیه را تلف نکند همچنین بسیاری از امراضی که می بینیم در بعضی از ممالک بوده است و در نتیجه ارتباطات در بعضی نقاط و ممالک پیدا میشود بنده خودم دیدم که در سوریه مرضی بود موسوم به دنگ که هیچ در ایران دیده نشده بود بعد از چند سال این مرض آمد در بین النهرین و بالاخره آمد بایران و اخیراً تک تک در ایران دیده میشود و این در نتیجه راه بغداد و سوریه است (طلوع - جلوگیری کنند) که افتتاح شده است پس ملاحظه میفرمائید از بکفری که ما نمیتوانیم وسائل از دیاد نفوس را فراهم کنیم از یک طرف دیگر هم می بینیم هر روز بواسطه تمدن جنب دستخوش تلفات هستیم بچه وسیله ممکن است این ممالک بزرگ را که تمام دنیا از هر نقطه نظر متوجه بان هستند جلوگیری بکنیم و سعی کنیم که نفوس مملکت زیاد شود فقط یک راه دارد و آن راه عبارتست از توسعه تأسسات صحتی و داشتن اطباء تحصیل کرده و حافظ چون بسیار از این جهت هست در دنیا که اثرش محسوس نیست یکی پیشرفت امروپی است که چندان محسوس نیست بنده از برای اینکه طب جدید را در ممالک متمدن و مقایسه آن با طب قدیم بنظر محترم آقایان عرض کنم يك احصائیه که دقیقاً بعمل آمده است در این ممالک میخوانم و ملاحظه میفرمائید که در نتیجه طب جدید و ترقیات جدید و مؤسسات صحتی چه اندازه ترقی علم طب پیدا شده است و بچه اندازه با مواعی که در ممالک متمدن از برای جلوگیری از تلفات بعمل آمده است این احصائیه در ۱۸۸۱ تا ۱۸۸۵ در مدت یکسال در هزار

تلفات ۱۶۵ بوده است در ۱۸۸۶ الی ۱۸۹۰ تلفات ۱۵۰ رسیده است در ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۰ تلفات خوشبختانه ۱۱۰ رسیده است در ۱۹۰۶ الی ۱۹۱۰ احصائیه که است کرده اند تلفات ۱۰۰۵ بوده است در هزار - و در ۱۹۱۱ تا ۱۹۲۵ تلفات ۹۳ بوده است ملاحظه فرمائید که در نتیجه اقدامات و توسعه صحتی در ممالک متمدنه تقریباً تلفات نك شده است و این چیست که البته است جلوگیری کند از آن مخاطراتی که هست علاوه عده نفوس را در بعضی از ممالک بحدی زیاد کرده است که مملکت آلمان قبل از جنگ در مدت بیست و پنج سال تقریباً بیست میلیون بر نفوس آن اضافه شده بود ملاحظه میفرمائید که بالاخره یگانه چاره از برای جلوگیری از تلفات و حفظ نفوس و در حقیقت حفظ استقلال حقیقی مملکت عبارت است از تأسیس مؤسسات صحتی بوضع جدید

مجتب بین نمایندگان - صدای زنگ رئیس - دعوت بسکوت)

دکتر ملک زاده - و کوشش در اینکه مدرسه طب وسعت پیدا کند در نقاط مملکت. دارای مریضخانه‌ها باشیم و بتوانیم اطباء صحتی داشته باشیم.

آقا سید یعقوب - ماده ۶۳ راهم در نظر داشته باشید

دکتر ملک زاده - بنا بر این بنده چون عرض کردم احتیاجات مملکت باطباء ایجاب میکند که این قانون تصویب بشود و موافقت بشود ولی در اینجا تبصره پیشنهاد کردم که اگر موافقت بفرمائید که این آقایانی که مجاز شوند افلاش ماه از برای دیدن بعضی از کارهای جنگ در مریضخانه‌ها بروند و یک عملهای کوچکی که در روز در همه جای دنیا تمام مردم این عمل را میداندند تمام مردم مؤظفند بداندند که وقتی که يك ترف الدمی باشد نگذارند این مریض بمیرد و ببرند پیش يك طبیب جلوگیری کنند و اگر يك زخمی پیدا شد چطور این دست و پا بدهند لا اقل این اطباءئی که ما امروز جان دهنده دست اینها میدهم این اندازه اطلاعات داشته باشند

که بتوانند مردم از وجود آنها استفاده کنند .

فیروز آبادی - بعد از اجازه شش ماه

دکتر ملک زاده - بی بعد از اجازه

رئیس - آقای وثوق

سید مرتضی وثوق - حضرت آقای دکتر بك پیشنهادی فرمودند و بعد که خواستند در اطراف پیشنهاد خودشان توضیحات بدهند يك سلسله مطالب دیگری فرمودند که هیچ مربوط به لایحه نبود. . . .

افسر - مربوط بود آقا .

شریعت زاده - کاملاً مربوط بود .

وثوق - بنده منکر نیستم آن نظری را که فرمودند . البته يك مطالب مفیدی بود ولی در مورد این لایحه بعقیده بنده مطالبی فرزند که مورد نداشت و آن پیشنهادی هم که فرمودند در کمیسیون هم مذاکره شد که این پیشنهاد عملی نیست زیرا این آقایان بعضی هاشان طب قدیم میدانند و طب قدیم با عمل جراحی و رفتن در مریضخانه و شش ماه با اصطلاح در مریضخانه عملیات جراحی بکنند اصلاً منافات دارد بعلاوه این آقایان بعضی ها سنشان هم مقتضی نیست که بروند شش ماه در مریضخانه کار بکنند و عملیات جراحی بکنند در اینصورت بنده تصور میکنم که خود آقای دکتر هم تصدیق بکنند که این پیشنهاد عملی نیست فقط قانع شده بودند که اگر آقای وزیر در اینجا تشریف داشتند مذاکراتی در اطرافش بشود که در نظامنامه که تدوین میشود يك مراعاتهایی بشود و بنده عقیده دارم که این احصائیه هم که اینجا آقای دکتر خواندند گمان می کنم دفعه دومی بود که این احصائیه را خوانده اند . . .

دکتر ملک زاده - این آن نیست آقا

آقا سید مرتضی وثوق - بنده همچو تصور کردم آقا اگر يك لایحه برای تکثیر تأسسات صحتی میآوردند

بمجلس ممکن بود این احصائیه را بخواند از نقطه نظر صحیح و این اطلاعات را بفرماید و بالاخره با این لایحه و با این ترتیب پیشنهاد آقای دکتر و کیسیون (خود حضرتعالی هم رئیس کمیسیون بودید) و با حضور آقای وزیر مذاکره شد در اطرافش تصور نمی کردم دیگر حضرتعالی این پیشنهاد را بفرمائید و وقت مجلس را اشغال کنید و لذا تصور میکنم خود حضرتعالی هم موافقت بفرمائید و این پیشنهادتان را پس بگیرید لایحه بهمان ترتیب که بود باشد.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای ملک زاده را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد . لایحه برای دفعه دوم با سایر پیشنهادها به کمیسیون اعاده میشود . آقای رئیس الوزراء [۵ - تقدیم لایحه ایجاد وزارت اقتصاد ملی]

رئیس الوزراء - لایحه راجع به ایجاد وزارت اقتصاد است تقدیم میکنم .

بعضی از نمایندگان - بسیار خوب
رئیس - اظهار رغبت میشود که قرائت بکنند :

ساحت محترم مجلس شورای ملی

نظر بلزوم توجه مخصوص در مسائل اقتصادی مملکت و نظر با اهمیت فوق العاده مطلب که مستلزم داشتن مسئولین مخصوص است هیئت دولت مقتضی میداند که وزارتخانه مخصوصی از نقطه نظر اجرای پرگرام اقتصادی مملکت تشکیل شود و بنا بر این لایحه قانونی ذیل تقدیم میشود :

ماده ۱ از تاریخ تصویب این قانون بجای وزارت فواید عامه و فلاحت و تجارت که فعلاً موجود است دو وزارتخانه ذیل تاسیس میشود

۱ - وزارت طرق و شوارع

۲ - وزارت اقتصاد ملی

ماده ۲ - وظایف وزارت طرق و شوارع مراقبت در ایجاد و نگاهداری راه های آهن و شوسه مملکت است

اموال منقول مقرر است توقیف خواهد گردید . هر گاه محصول جمع آوری نشده باشد برداشت محصول خوددفعه باشد خواه بدفعات با حضور مأمور اجرا بعمل خواهد آمد . مأمور مذکور حق هیچگونه مداخله در امر برداشت محصول نداشته و فقط برای تعیین میزان محصولی که جمع آوری می شود حضور پیدا خواهد کرد مدعی یا محکوم له نیز در موقع برداشت محصول حق حضور خواهد داشت پس از برداشت هر قسمت از محصول توقیف آن مطابق مقررات فوق بعمل خواهد آمد .

رئیس - آقای هزار جریبی

هزار جریبی - بنده با دو قسمت این ماده مخالف هستم علت مخالفت بنده این است که عملی نیست وقتی که این ماده تصویب بشود باید فکر اجرای آن را هم درک بکنند که چطور میشود آنرا اجرا کرد این است که در این ماده تا آن قسمتی را که موافقم میخوانم و آن جایی که مخالفم عرض نمیکنم (بلند تر) در تقاضای که مطابق ماده فوق ممکن است محصول توقیف شود بطریق ذیل عمل خواهد شد اگر محصول جمع آوری شده باشد سهم مدعی علیه یا محکوم علیه پس از وضع مالیات دولتی و مخارج معموله زراعتی از قبیل علفه عوامل و بذر و خرج تنقیه قنات و مخارج عادی رودخانه باندازه که بهم مدعی علیه یا محکوم علیه تعلق میگردد بطوریکه ذیلاً برای توقیف اموال منقول مقرر است توقیف خواهد شد و اما اینکه ضایع است و عملی نمی شود . هر گاه محصول جمع آوری نشده باشد برداشت محصول خواه دفعه باشد خواه بدفعات با حضور مأمور اجرا بعمل خواهد آمد حالا این با حضور مأمور اجرا در محصولی که اصلاً جمع آوری نشده است چطور بعمل میآید مثلاً این يك موقعی شلتوك يك موقعی گندم و جو است آنوقت باید این را شب جمع آوری کنند مأمور اجرا شب در آنجا باید بماند برای اینکه اینکار را بکند و همه روزه صبح زارع باید برود سر جمع کردن این محصول در

آنموقع چطور مأمور اجرا حاضر میشود وقتی که مأمور اجرا حاضر نشد آنوقت چطور میشود آنوقت مأمور اجرا میآید و میگوید تو بر خلاف قانون عمل کردی و محصول را جمع آوری کردی اگر بخواید صبر کنید زراعت خراب میشود زراعت را که نمیتواند ول کند برود رعیت باید شب و روز مواظب باشد پس این يك تخمیلی است برای زارعین اما وقتی که جمع شد آن سهم مالک است که توقیف میشود سهم مالک تا مین میشود نه سهم رعیت . رعیت که گناهی ندارد پس وقتی که زراعت جمع شد آنوقت برود سر وقتش و الا زراعتی که جمع آوری نشده و توی صحرا است هنوز جمع نشده چطور اینکار را میکنند یعنی مأمورین اجرای ما طوری نیستند که خوب با مردم معامله کنند آقایانی هم که در قوانین عدلیه نظریاتی داشتند مخصوصاً آقای مخبر نظر شان این بود که به مالک ضرری نخورد محصول ملک توقیف نشود و این نظریه برای حفظ منافع رعایا بوده ولی این قسمت را که بنده می بینم این بر ضرر رعیت و زارع است و مأمورین اجرایی الان در بعضی جاها هستند که ماهی ده تومان حقوق دارند و البته مأمور اجرایی که ماهی ده تومان دارد در يك موقعی که باو این کار را رجوع میکنند او چه خواهد کرد بنده با این قسمت بکلی مخالفم و چون نمیخواهم زیاد حرف بزنم توضیحات زیادی نمی دهم ولی این قسمت اگر چنانچه عملی بشود اسباب زحمت است و بکلی زراعت و فلاحت از بین میرود چنانچه مسئله توتون کاری امسال در مازندران و استرآباد از بین رفته است (بعضی از نمایندگان - صحیح است)

رئیس - آقای وثوق

وثوق - بنده مخالفم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده در این مسئله که آقای هزار جریبی اظهار کردند ما خودمان که ترتیب محصول را نمی دانیم يك قانونی نوشته می شود در شورای هم

ماده ۳ - وظایف وزارت اقتصاد ملی بطور کلی فراهم آوردن موجبات تکثیر قوه مولده ثروت عمومی و بکار انداختن منابع ثروت مملکتی از قبیل معادن جنگلها و ترویج فلاحت و مخصوصاً ترقی محصولات فلزی قابل صدور و تطبیق اصول فلاحتی با اصول علمی جیب و تکمیل وسایل آبیاری و آباد کردن اراضی بترتیب توجه مخصوص به بهبودی نژاد و تربیت و تکثیر حیوانات اهلی و تهیه موجبات مبارزه با آفات حیوانی و نباتی فراهم آوردن موجبات ترقی و توسعه تجارت مملکت نقطه نظر توسعه صادرات مملکت و تشویق بعمل آوردن امتعه که ممکن است در مملکت برای رفع حوائج داخلی تهیه شود و اصلاح مواد صادراتی مملکت بظرف مطلوب بازارهای خارجه باشد

ماده ۴ - تشکیلات اداری دو وزارتخانه فوق برپا نظامنامه خواهد بود که بتصویب هیئت وزراء خواهد بود

ماده ۵ - این قانون پنجروز بعد از تصویب اجرا گذاشته خواهد شد و مخارج اداری وزارتخانه های مذکور ناموقع تصویب بودجه هر يك از آنها محل اعتبارات مصوبه وزارت فواید عامه تعیین خواهد شد

رئیس - برای استحضار خاطر آقایان قرائت و بکمیسون مربوطه ارجاع خواهد شد (طباطبائی بکجا ؟) فواید عامه .

[۶ - بقیه شورئانی لایحه تامین مدعی از ماده ۱]

رئیس - لایحه تامین مدعی به ماده ۳۱ مطرح قرائت میشود :

ماده ۳۱ - در مواردی که مطابق عاده فوق است محصول توقیف شود بطریق ذیل عمل خواهد شد اگر محصول جمع آوری شده باشد سهم مدعی علیه یا محکوم علیه پس از وضع مالیات دولتی و مخارج زراعتی از قبیل علفه عوامل و بذر و خرج تنقیه قنات و مخارج عادی رودخانه باندازه که بهم مدعی علیه تعلق میگردد بطوری که ذیلاً برای توقیف

هست که بیاید در مجلس صحبت بشود نظر ما این بود که در مسئله تامین مدعی به يك ترتیبی واقع شود که در واقع يك تضییقی نسبت به مدعی علیه باشد که حق مدعی از بین نرود و يك تسهیلاتی هم باشد که محصول ضایع نشود باین معنی که محصول را در ضبط دولت قائل نشویم در ضبط دولت ندانیم تگوتیم که مأمور مالیه باید جمع آوری کند همینطور که املاک مردم بکلی مسلوب المنفعه شد برای اینکه گفتم دولت جمع آوری کند املاک سه سالار بکلی نابود شد املاک حاج امین الضرب در زنجان نابود گردید مکانهای دیگر این نظریه اعضا کمیسیون بود که دولت را دخالت بدهند در جمع آوری محصول املاک. این يك فلسفه فلسفه دیگر در نظر داشتیم که موادی که سابق گذشته است حق میدهد که تامین بکنیم ما از برای حق مدعی مدعی به را این است که در نظر گرفتیم که در موقع برداشتن محصول مأمور حاضر باشد نه اینکه در تحت اختیار مأمور باشد مقنی که این قانون را می نویسد نظامنامه اش را هم می نویسد که باید مأمور حاضر شود اگر چنانچه مأمور تخلف کرد آقا مأمور باید حاضر شود حق اوست که حاضر شود دولت یا وزارتخانه که حق میدهد مأمور که حاضر شود لابد اسباب تسهیلات او را هم باید فراهم کند بهر حال در این تذکراتی که شما دادید گمان میکنم آقای مخبر هم موافقت کنند که ما تکلیف را بدولت یعنی بدلیه واگذار کنیم که او باید حاضر کند اگر چنانچه حاضر شد قبلاً اگر حاضر نشد تکلیف دولت است که او را حاضر کند اگر حاضر نشد بنده هم با شما موافق هستم نه اینکه آن خرمن بحال خودش باقی باشد این است که بنده موافقم چنانچه اجازه هم خواسته بودم و خواستم آقای مخبر را توجه بدم در قسمت آخر ماده که می نویسد مدعی یا محکوم نیز در موقع برداشت محصول حق حضور خواهد داشت یعنی چه؟ نه اینکه توقف دارد برداشتن بحضور او و خودش حق دارد که حاضر شود اگر آمد و حاضر نشد یعنی چه عمداً مدعی نمی آید برای

خاطر اینکه حکایت آن مثلی است مشهور چون مجلس عوام است اگر عباراتی گفته شود که عموم بفهمند عیبی ندارد که حکایت خنر دیزه بکنند که خنر خوش راضی باشد برای ضرر صاحب برای اینکه خنر را مدعی علیه پامال کند. حق حضور دارد نه اینکه اگر حاضر نشد آنوقت مدعی علیه بتواند خنر را بر دزد عقید بنده در ماده این است که مدعی علیه بتواند خنر را بر دارد اگر این باشد که بنده در کمیسیون رأی دادم و عقیدام این است که مطابق آن چیزی که بنده استنباط کردم که حق حضور را بمدعی میدهم نه اینکه توقف داشته باشد برداشتن خنر بحضور مدعی چنانچه راجع مأمور هم عقیده بنده همین است حالا اگر چنانچه مأمور باشد که بنده استنباط کرده ام و آقای مخبر هم موافقت بفرمایند اشکال شما غیر وارد است

رئیس - آقای وثوق

وثوق - بنده در شور اول این لایحه این را عرض کردم و آقای مخبر هم جواب مرحمت فرمودند و حالا که در شور دوم است ثاباً عرض میکنم آن مطلبی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند يك عقیده بود اصلاح در شور اول هم آقای مخبر فرمودند که حق ندارد که مأمور در اینطور موارد دخالت کند ولی این را یکطور نیست که هم باید مأمور دولت مداخله کند شما خواستید بین آن عقیده که دارید و این عقیده بنده عقیده ثالثی پیدا کنید بنده بصد صدر ماده با شما مخالف است برای اینکه در صدر ماده می نویسد که محصول جمع آوری شده باشد سهم مدعی علیه یا محکوم پس از وضع مالیات دولتی و مخارج معموله زراعتی قبیل علوفه عوامل و بذر و خرج تنقیه قند و مخزن عادی رودخانه باندازه که به سهم مدعی علیه یا محکوم تعاقب میگردد بطوریکه ذیلاً برای توقیف موقوفه منقول مقرر است توقیف خواهد گردید. بنده نه در ذیل ماده مقرراتی است که بنده

عمل چطور شده است و نه در فوق ماده فقط می نویسد که مطابق توقیف اموال منقول مقرر است توقیف خواهد گردید و در اموال منقول هم می نویسد که توقیف اموال بطوری بعمل خواهد آمد که در اجرای احکام مصرح است پس اینجا خوب بود که میفرمودند که همینطور که در اجرای احکام مصرح است مطابق مقررات فوق مقررات باید عقیده بنده باید معلوم باشد بعلاوه در اینجا مأمور چرا چکاره است در اینجا ماده صریحاً دارد که مأمور چرا فقط حق حضور دارد و حق هیچگونه مداخله ندارد بعد از اینکه حق مداخله نداشته باشد چه شکل نتواند تعیین مدعی به یا محکوم به را بکند برای بنده برخ بفرمایند يك خرمنی است در اینجا موجود خود مدعی علیه هم اعتراض کرده مدعی هم حضور پیدا کرده که هم سهمی خود را برده اند مأمور اجرا هم که حق مداخله ندارد این خرمن هم حاضر شده است چطور میتواند لطف کند مطابق کدام مقررات فوق مقررات ل بالاخره بنده نمیتوانم موافقت کنم استدعا میکنم آقای مخبر توضیح بدهند که بنده قانع شوم

یاسائی (مخبر) - نظر اساسی این بود در شور اول مذاکره شد که حق المقذور توقیف از طرف دولت بجه باملاک غیر منقول و املاک زراعتی و باغات نشود و اینکه همینطور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند عمل دیده شده که بوسیله مأمورین جزء يك افراط غریبتهائی میشود و يك تضییقات و يك خسارتهای عظیمی پدید می آید مخصوصاً در مواد سابق هم گذشته بنده بفرمایند که مأمورین رسیده است بیشتر مطلب راجع است بنده توقیف راجع بسایر چیزها بشود و متوجه مقرر نشود بی فرض بفرمایند که در يك مواردی مأمور باید محصول را توقیف کرد و مدعی علیه چیز بی نظراً ندارد که بشود توقیف کرد یا در يك موردی مدعی علیه و محکوم علیه صرفه شان را در این بیند و نقاضا میکنند در آنجائی که مدعی به یا محکوم

به عین محصول باشد در این موارد که شاید خیلی شاذ و نادر باشد باید محصول را توقیف کرد آنوقت آن نظری که آقایان بطور مخالف اظهار کردند چون نظر آقای هزار جریبی با نظر آقای وثوق بکلی مخالف است آقای هزار جریبی عقیده شان این است که چرا بگذاریم مأمور در اینجا حضور داشته باشد آقای وثوق می فرمایند که حضور مأمور چرا فایده دارد و چرا نباید مداخله کند حد وسط این است که اینجا نوشته شده است اگر طوری کنیم که مأمور اصلاح حق حضور نداشته باشد در مواردی که محصول تدریجاً برداشته میشود تصدیق بفرمایند که تامین را شما از نقطه نظر مدعی قرار تامین صادر کرده اید آنوقت نتیجه ندارد ممکن است مالک و رعیت هر چه عمل آمد سهم خودشان را بر میدارند و میبرند آنوقت فرنا کی میتواند تعیین کند که محصول چقدر بوده است پس اگر شما يك مأمور مراقبی سر محصول در مواقع برداشت نگذارید حتماً تامین بعمل نمی آید اما اینکه آقای وثوق فرمودید که مأمور مداخله کند مداخله در اینجا صلاح نیست برای اینکه ما حضور مأمور را میخواهیم که آنچه از برداشت محصول بدست می آید یعنی سهم مالک میشود و توقیف تعلق باو میگردد این را حیث و میل نکنند یعنی نفرستد در جائی و مخفی بکند فقط همین است ما چیز دیگری نمیخواهیم اما اینکه مداخله بکند در طرز برداشت رسوم و معمول برداشت خرمن و اینها هر ولایتی یکطور نیست که این عمل صلاح نیست بهمان ادله که آقای آقا سید یعقوب فرمودند هر چه مداخله مأمورین جزء در اموال مردم در کارهای مردم کمتر باشد بهتر است پس بهتر این است که ماده بهمین صورت باشد و مداخله دیگری غیر از پائیدن و تماشا کردن و نظارت نخواسته ایم برای اینکه غیر از این باشد ضررش بیشتر است و اینکه فرمودند عبارت معنایش چه چیز است که پس از برداشت محصول توقیف آن مطابق مقررات فوق بعمل خواهد آمد مقررات فوق عبارتست از مقرراتی

که در فوق همین ماده ذکر شده است بنده عبارت را میخوانم اینطور نوشته است اگر محصول جمع آوری شده باشد سهم مدعی علیه یا محکوم علیه پس از وضع مالیات دولتی و مخارج معموله زراعتی از قبیل علوفه عوامل و بذور خرج و تنقیه قنات و مخارج عادی رود خانه باندازه که به سهم مدعی علیه یا محکوم علیه تعلق میگیرد بطوریکه زیلا برای توقیف اموال منقول مقرر است توقیف خواهد گردید یعنی این رعایتها را پس از اینکه محصولی که تدریجاً بر داشت میشود محصول که جمع آوری شد با رعایت این مقررات که سهم هر یک را جدا بکنند انوقت آنچه که خالصاً برای مالک ماند انرا بمنوان تامین توقیف کنند و اینکه قید شده است مقررات فوق یعنی مقرراتی که در همین ماده است یک فرمایشی آقای آقا سید یعقوب فرمودند راجع به اینکه (ماه - ور مزبور حق هیچگونه مداخله در امر بر داشت محصول نداشته و فقط برای تعیین میزان محصولی که جمع آوری میشود حضور پیدا خواهد کرد مدعی یا محکوم له نیز در موقع بر داشت محصول حق حضور خواهد داشت) معنی این چه چیز است البته خیلی واضح است مدعی یا محکوم علیه اگر میل داشته باشند میتوانند در موقع برداشت محصول حاضر بشوند اگر حاضر نشدند البته این مانع عمل مامور و برداشت خرمن نمیشود بسته بمیل خودشان است يك وقت است که به مامور هم اطمینان ندارد میگوید ممکن است مامور با مدعی علیه تباہی کند و این محصولی که باید صد خروار بشود برساند به پنجاه خروار بهتر این است که خودم هم بروم و در موقع برداشت محصول باشم که آنچه بعمل می آید بدانم چیست و ممکن هم هست که اطمینان داشته باشد یا گرفتاری داشته باشد بسته بمیل خودش است در هر صورت معنی دیگری ندارد جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - پیشنهادها قرائت میشود:

پیشنهاد آقای فولادوند

بنده پیشنهاد میکنم در قسمت اخیر ماده ۳۱ بعد کلمه مدعی یا محکوم له کلمه یا (نماینده قانونی او) اضافه شود فولادوند - منظور معلوم است ممکن است بعضی اوقات همینطور که فرمودید مدعی نتواند حاضر شود اسباب زحمت شود اگر صلاح بدانید کلمه نماینده نیز اضافه شود و مقصود این است که از طرف محکوم تصدیق شده باشد مخبر - در تمام مواد این قانون و قوانین دیگر که گنجانده میشود مدعی یا محکوم له شامل نماینده و وکیل آن میشود بطور کلی این است و لازم نیست که در هر مورد این قسمت را تصریح کنیم و این هم که پیشنهاد فرمودید نماینده قانونی البته باید قانونی باشد نماینده غیر قانونی اصلاً معنی ندارد معذک که برای اینکه در اصل مطلب قانونی حاصل نمی شود این پیشنهاد را قبول میکنم بشرط اینکه این قید قانونی را حذف کنند و نوشته شود (با این آنها) چون نماینده آنها نماینده است که محکوم علیه تصدیق بکند یا مدعی العموم .

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد ... بعضی از نمایندگان - مخبر قبول کرد

رئیس - رأی میگیریم بماده ۳۱ با پیشنهاد آقای فولادوند بطوریکه آقای مخبر قبول کرد قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده ۳۲ قرائت میشود: ماده ۳۲ - هرگاه در میزان مخارج معموله زراعتی بین مدعی علیه یا محکوم علیه و طرف او و در موقع حاضر بودن طرف بین مدعی علیه یا محکوم علیه و طرف او اختلاف باشد حسد اقل میزان مزبور محصول موضوع و بقیه توقیف میشود تا محکوم توقیف صادر کرده تضمین قطعی اتخاذ نماید .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - موافقم
رئیس - آقای احتشامزاده
احتشامزاده - موافقم
رئیس - مخالفی نیست؟
(معارضی نبود)
رئیس - موافقین با ماده ۳۲ قیام فرمایند
(اکثر برخاستند)
رئیس - تصویب شد . ماده ۳۳:

ماده ۳۳ - در صورتیکه محصول قبلاً فروخته شده و قیمت آن در موقع توقیف هنوز پرداخته نشده باشد نسبت نزد خریدار توقیف گردیده و اقساط آن در موقع وصول و در صندوق عدلیه توقیف خواهد شد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - موافقم
رئیس - آقای شریعت زاده
شریعت زاده - موافقم
رئیس - آقای احتشامزاده
احتشامزاده - موافقم
(در این ماده معارضی نبود)
رئیس - موافقین با ماده ۳۳ قیام فرمایند
(غالب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . ماده ۳۴ قرائت میشود:
(قسمت چهارم در توقیف اموال منقول)
ماده ۳۴ - توقیف اموال منقول بر تریبی باید بعمل آید که در قوانین مربوطه با اجرای احکام مصرح است .
رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - موافقم
رئیس - آقای احتشامزاده
احتشامزاده - موافقم
رئیس - مخالفی ندارد؟
(مخالفی نبود)
رئیس - موافقین با ماده سی و چهار قیام فرمایند .
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . ماده ۳۵ قرائت میشود:
ماده ۳۵ - مهر و موم کردن اموال منقول یا سپردن آن بخود مدعی علیه یا محکوم علیه یا سپردن آن بشخص ثالث منوط بمنظر محکمه است .
رئیس - آقای شریعت زاده
شریعت زاده - موافقم
رئیس - آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - این جا اگر آقای یاسائی توجه داشته باشید در قانون ثبت اسناد راجع به عبارت مهر و موم يك ترتیبی دادید گر چه در قوانین ما این عنوان هست عنوان لفظ توقیف عنوان لفظ مهر و موم است و حالا چون نظرم می آید این جا يك تغییری دادیم اگر ممکن است حالا هم تغییر بدهیم یا اینکه مثل همان قانون اصول محاکمت حقوقی باشد خواستیم این را تذکر بدهم .
مخبر - راجع بمهر و موم و چیزی که با حرارت ممکن است صورتش تغییر بیسدا کند اشکال شد که این قدرها اطمینانی باو نیست و باید تغییر داد و

کلمه دیگری بجای آن گذاشت ولی بعد گفته شد که اصطلاح شده است و مقصود مهر و موم کردن نیست کلمه مهر و موم خورده خورده در ظرف این ده بیست سال يك اصطلاحی شده برای اینکه این را در يك جائی ضبطش کنند و محفوظ نگاه دارند مثلا اگر لاک هم کردند نمی گویند مهر و لاک باز می گویند مهر و موم کردند پس اشکالی ندارد.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - این جا توقیف را منوط کرده برضایت محکمه بنده میخواستم عرض کنم که نوشته شود برضایت محکمه و با مدعی یا محکوم له باشد که اگر مدعی یا محکوم له هم راضی شد که پهلواری مدعی علیه بماند بتواند و این ضرری هم ندارد بجهت اینکه در بعضی ...

آقا سید یعقوب - بنظر محکمه شد

فیروز آبادی - بله بنظر محکمه ولی عبارت با برضایت مدعی و محکوم له هم اضافه شود اگر میل داشته باشید بنده پیشنهاد هم میکنم.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - عرضی ندارم

رئیس - پیشنهاد قرائت میشود:

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که در این ماده اضافه شود که منوط برضایت محکمه و با مدعی و محکوم له.

رئیس - بفرمائید

فیروز آبادی - بنده نظر باینکه در بعضی جاها محکمه نیست مثلا ممکن است در ده فرسخی یا بیست فرسخی محکمه نباشد و اینجا هم که نوشته بنظر محکمه محکمه هم که در آنجا نیست شاید آنوقت این اسباب زحمت بشود پس محکمه یا برضایت محکوم له و مدعی باشد که اگر رضایت آنها هم شد ضرری ندارد.

مخبر - فرضی را که آقای فیروز آبادی فرمودند که اگر در بیابان خواستند توقیف کنند و محکمه اینجا نیست این فرض مورد و عمل در خارج ندارد در ضمن نمیکنم تفاوتی هم داشته باشد زیرا محکمه وقتی فرار صادر میکنند در صورتی که بمأمور اجرا میدهد چه آن مأمور این کار را در شهر بعمل بیاورد یا در خارج او قبلا میداند که این را باید بشخص ناک بسپارد در هر حال نظر محکمه شرط است در این قسمت هم مذاکران مفصل و طولانی شده است حالا اگر چنانچه متداعین تراضی کردند که نزد مدعی علیه بماند بنظر بنده عیبی ندارد ولی عبارتی که پیشنهاد فرمودید اگر مرحمت بفرمائید که اصلاحی درش بشود بد نیست. تراضی طرفین را هیچ قانونی نمیتواند جلوش را بگیرد.

رئیس - مانعی ندارد

فیروز آبادی - به تعجیل نوشته شد.

رئیس - با اصلاحی که با نظر آقای مخبر شده است قرائت میشود و رأی میگیریم: (منوط بنظر محکمه یا رضایت مدعی و محکوم له است)

رئیس - رأی میگیریم بماده ۳۵ با اصلاح پیشنهادی آقای فیروز آبادی و تصحیح آقای مخبر موافقین قیام فرمائید (اکثر بر خاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۳۶:

ماده ۳۶ - در صورتیکه اموال توقیف شده مهر موم شده باشد شکستن یا محو کردن مهر مستلزم مجازات است که بموجب قانون مجازات عمومی برای این جنس مقرر است.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده در کمیسیون هم عرض کردم که این ماده را در این جا ما محتاج نیستیم برای اینکه بر قانون مجازات عمومی بکماده تصریح شده است اصح این مسئله که چیزی را که دولت توقیف کرده اند با بحکم او مهر و موم شده باشد تخلف از آن مجازاتش فلان است و البته وقتی هم که تأمین مدعی به مهر و موم میشود بحکم محکمه است خواستم عرض کنم که اصل ذکر کردن این ماده در اینجا محتاج الیه نیست مخبر - همانطور که ذکر کردند این قسمت در قانون مجازات عمومی ما پیش بینی شده است ولی از نقطه نظر خلاق مردم اینک بعضی کارها را هنوز اینقدر هاجرم بدانند و آنطوری هم که میبایست بنام افراد مردم ملامت نشده است که بدانند اینطور کارها جرم است پس بهتر اینست که در این قانون مخصوصاً قید بشود که بدانند هر کس مبتلا بهش میشود تأمین مدعی به مهر موم مربوطه باو بدانند که اگر يك تخلفاتی کرد و مهر موم شکست مجازاتی در قانون مجازات عمومی برایش تعیین شده است و آن قانون را بگردد و جزای خودش بدهد تذکری است که بعقیده بنده خیلی خوبست بعضی از نمایندگان - کافی است مذاکرات

رئیس - موافقین با ماده ۳۶ قیام فرمائید

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۳۷:

ماده ۳۷ - توقیف عین اموالی که ضایع شدنی است در این صورت آن اموال بفروش رسیده و قیمت نفی خواهد شد

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خواستم این جا آقای مخبر برای توضیح بفرمائید که فروشنده باید کی باشد خود مالک باید بفروشد یا مأمور اجراء فروشنده باشد خواستم این قسمت معلوم شود

مخبر - عرض میشود فروش اموالی که از طرف محاکم عدلیه بعمل می آید ترتیب مخصوصی دارد و در قوانین مربوطه با اجرای عدلیه هست باید مأمور اجراء حاضر باشد البته يك اصل کلی هم هست و آن مزایده است اگر مقتضی باشد مزایده بعمل می آید و اگر فوریت داشته باشد دیگر مزایده نیست يك موارد مقرراتی در قانون اجرا هست و يك نواقصی هم در آن قانون ها هست و انشاء الله اگر فرصتی شد شاید وزارت عدلیه آنها را هم اصلاح کنند که در اجرا و عمل مأمورین دچار اشکال نشوند و يك افراط و تفریط هائی هم نشود

رئیس - آقای روحی

روحی - کافی است مذاکرات

رئیس - موافقین با ماده ۳۷ قیام فرمائید

(عده قیام نمودند)

رئیس - تأمل بفرمائید ... تصویب شد. ماده ۳۸

قرائت میشود:

ماده ۳۸ - هرگاه اموال در نزد مدعی علیه یا محکوم علیه با شخص ثالثی توقیف شود هرگونه تفریط یا تعدی نسبت بآن مال از طرف شخصیکه مال نزد او توقیف شده است مستلزم مجازات خیانت در امانت خواهد بود.

رئیس - مخالفی ندارد؟

(معارضی نبود)

رئیس - موافقین با ماده ۳۸ قیام فرمائید

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده ۳۹ قرائت میشود:

[قسمت پنجم مقررات مشترکه و توقیف طلب]

ماده ۳۹ - در هر مورد که مالی اعم از منقول یا غیر منقول توقیف شود و بیم آن برود که ادامه توقیف عین مال موجب ضایع شدن مال یا تنزل قیمت آن خواهد بود هر يك از طرفین حق تقاضای فروش دارد ولی هرگاه طرف دیگر موافق با فروش نبوده و ضرری را که از فروختن مال ممکن است ناشی شود تامین نماید مطابق نظر او عمل خواهد شد در صورت فروش مأمور اجرا نظارت داشته و قیمت آن را در صندوق عدلیه توقیف خواهد کرد مدعی یا محکوم له نیز حق نظارت در فروش دارد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای مخبر در این ماده متوجه باشند بنده حالا يك چیزی متوجه شدم اینجا دارد اگر مالی را محکمه بعنوان مدعی به توقیف کرد و بیم آن رود که ادامه توقیف عین مال موجب ضایع شدن مال یا تنزل قیمت آن خواهد بود هر يك از طرفین حق تقاضای فروش دارد. اولاً عقیده بنده این بود که تأمین مدعی به سلب مالکیت مالک را نسبت بملك او نمیکند آن سلطنتش بجای خودش محفوظ است ما این فلسفه را کاملاً در بعضی مواد رعایت کردیم ولی در بعضی مواد نمیکنیم در اینجا مال بنده را بعنوان تأمین مدعی به توقیف خواستند بکنند قطع نظر از اینکه يك چیزی باشد که بیم آن رود که ضایع شود من بتوانم این تقاضا را بکنم. صرف نظر از این مسئله مال من در خطر است من بتوانم تقاضا کنم که او را بفروشد نهایت شما میخواهید پولش در صندوق عدلیه باشد بسیار خوب در آنجا بماند ماده آخرش هم همین است که بعد از اینکه محصول توقیف شد با فروش رفت پولش در صندوق عدلیه بماند اگر بنده خودم از همان روزیکه دیدم که حکم یا قرار عدلیه صادر شد که خانه من را یا کالسکه

ثبیت مسكوك راجح مملكت و تبدیل واحد آن بطلا همیشه منظور نظر دولت بوده است در این اواخر که تنزل نرخ نقره منضمًا بعوامل دیگر موجب تنزل قران شده در تعقیب سایر اقدامات دولت تسریع در عمل نمودن این مقصود نیز بیشتر مورد توجه و اهتمام واقع گردید و اینک اصول مهمه آن بمجلس شورای ملی پیشنهاد در تصویب آن تقاضا میشود

تصویب قسمت های دیگر نیز بطوری که در متن قانون مقرر است در موقع خود تقاضا خواهد شد

(ماده ۱ - مقیاس طلا)

واحد پول قانونی ایران ریال طلا است که بصد دینار تقسیم میشود

(ماده ۲ - مسكوك مضروب و جزء واحد مقیاس مسكوكات قانونی در جریان عبارتند از :

(الف) مسكوك طلا: سكه طلاى (۲۰) ریالی بنام (پهلوی)

سكه طلاى (۱۰) ریالی بنام (نیم پهلوی)

(ب) مسكوك نقره: سكه نقره نیم ریالی

سكه نقره يك ریالی

سكه نقره دو ریالی

سكه نقره پنج ریالی

(ج) مسكوكات نیکل: سكه نیکل (۵) دیناری

سكه نیکل (۱۰) دیناری

سكه نیکل (۲۵) دیناری

(د) مسكوكات مس: سكه مس يك دیناری

سكه مس دو دیناری

(ماده ۳ - وزن خالص و وزن مسكوك)

(الف) يك ریال معادل است با (۳۶۶۱۱۹۱/۱۰) گرام طلاى خالص

(ب) مسكوك طلاى (۲۰) ریالی یا (پهلوی) دارای

۳۲۲۳۸/۷ گرام طلاى خالص است و ضرابخانه دولتی باید يك کیلو گرام طلاى خالص را بمصرف ضرب

۱۳۶۰۵۹۷ عدد مسكوك يك پهلوی برساند

(ج) مسكوك طلاى ده ریالی یا (نیم پهلوی) دارای ۳۶۶۱۱۹۱/۳ گرام طلاى خالص است و ضرابخانه دولتی باید يك کیلو گرام طلاى خالص را بمصرف ضرب ۲۷۰۵۱۳۵ عدد مسكوك نیم پهلوی برساند

(د) مسكوك نقره نیم ریالی که در داخله مملكت جریان قانونی دارد و نماینده نیم ریال طلا میباشد دارای ۲۷۵۰۰۰ گرام نقره خالص است و ضرابخانه دولتی باید يك کیلو گرام نقره خالص را بمصرف ضرب (۴۴۴۴/۴) عدد مسكوك نیم ریالی برساند

(ه) مسكوك نقره يك ریالی که در داخله مملكت جریان قانونی دارد و نماینده يك ریال طلا میباشد دارای ۴۵۰۰۰۰ گرام نقره خالص است و ضرابخانه دولتی باید يك کیلو گرام نقره خالص را بمصرف ضرب (۲۲۲۲/۲۲۲) عدد مسكوك يك ریالی برساند

(و) مسكوك نقره دو ریالی که در داخله مملكت جریان قانونی دارد و نماینده دو ریال طلا میباشد دارای (۹) گرام نقره خالص است و ضرابخانه دولتی باید يك کیلو گرام نقره خالص را بمصرف ضرب ۱۱۱/۱۱۱ عدد مسكوك دو ریالی برساند

(ز) مسكوك نقره ۵ ریالی که در داخله مملكت جریان قانونی دارد و نماینده پنج ریالی طلا میباشد دارای ۲۲۵۰۰۰۰ گرام نقره خالص است و ضرابخانه دولتی باید يك کیلو گرام نقره خالص را بمصرف ضرب ۴۴۴/۴ عدد مسكوك پنج ریالی برساند

تبصره - میزان عیار مسكوكات طلا (مذکوره در بند های ب - و - ج فوق) عبارت از نهد در هزار طلائی خالص و یکصد در هزار مس است و میزان عیار مسكوكات نقره (مذکوره در بند های د - و - ه - و - ز) عبارت از نهد در هزار نقره خالص و یکصد در هزار مس است (ماده ۴ - طریقه و صرز ضرب و حد ترخص)

برای تأمین مقررات قانونی مربوطه بوزن خالص و اوزان مسكوك و تعیین ابعاد مسكوك نظامنامه طریقه ضرب مسكوكات را هیئت دولت تعیین و تصویب خواهد

کرد - مسکوکات طلا فرداً ممکن است از حیث وزن مسکوکي تا میزان حد اکثر (۲۴) دو نیم در هزار و از حیث وزن خالص تا میزان حد اکثر دو در هزار نسبت بحد قانونی معینه در ماده ۳ اختلاف کسری یا اضافی (حد ترخص قانونی) داشته باشند و همچنین مسکوک نقره فرداً ممکن است از حیث وزن مسکوکي تا میزان حد اکثر ده در هزار و از حیث وزن خالص تا میزان حد اکثر سه در هزار نسبت بحد قانونی معینه در ماده سه اختلاف کسری یا اضافی (حد ترخص قانونی) داشته باشد ولی من حیث المجموع باید با مقررات ماده سه کاملاً تطبیق نماید (ماده ۵ - شکل و سکه مسکوک طلا و نقره)

الف - کلیه مسکوکات طلا و نقره مدور خواهند بود
ب - مسکوکات طلا در یکطرف تمثال اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران و در طرف دیگر شیر و خورشید و قیمت مسکوک و سنه ضرب را خواهند داشت
ج - مسکوکات نقره در یکطرف شیر و خورشید و در طرف دیگر عدد مشخص قیمت قانونی مسکوک و سنه ضرب را خواهند داشت
د - مسکوکات نیکل و مس در یکطرف شیر و خورشید و در طرف دیگر عدد مشخص قیمت قانونی مسکوک و سنه ضرب را خواهند داشت (ماده ۶ - حق ضرب)

ضرب کلیه مسکوکات ایران منحصرأ در ضرابخانه دولتی بعمل خواهد آمد
ضرب مسکوک طلا برای عموم افراد آزاد است و حق الضرب برای هر کیلوگرام طلای خالص نباید از ده ریال تجاوز کند
ضرب مسکوک نقره و نیکل و مس منحصر بدولت است و این حق هیچوجه من الوجوه قابل انتقال نخواهد بود.
(ماده ۷ - حد قبول مسکوک نیکل و مس)
برای هیچکس قبول مسکوک نیکل و مس بیش از مبلغ دو ریال در معاملات اجباری نیست

طرز تبدیل ریال نقره به ریال طلا و یا اسعار خارجی و حد ضرب ریال نقره بر طبق قانون جدا گانه که باید بر طرف مدتی که بیش از یکسال نباشد بتصویب مجلس شورای ملی برسد معین خواهد شد (ماده ۱۲ - ممنوعات و مجازات)
ورود طلا بایران آزاد است.
نقره بجز بهر شکل باستثناء اشیاء صنعتی نقره ممنوع است همچنین ضرب مسکوکي که تا بحال در جریان است ممنوع است
خروج طلا و نقره بجز بهر شکل باستثناء اشیاءیکه در این علیحدہ مراعات شده اند ممنوع خواهد بود متخلفین از مقررات این قانون به پرداخت جریمه از یک برابر الی نصف مبلغ مورد تخلف و مجس از یک الی سه سال محکوم خواهند شد (ماده ۱۳ - خرید طلا بحساب دولت)
بانک ملی ایران در طهران موظف است در هر موقع لازماً بر اساس (۲۷۲۱۳۵) ریال برای هر کیلوگرام طلای خالص بحساب دولت خریداری نماید
در طلا در شعب بانک در ولایات اختیاری خواهد بود خرید بر اساس قیمت مرکز با کسورات بابت حمل و در جرایم باطلاع عموم خواهد رسید.
(ماده ۱۰ - اخذ مالیات ها و عوارض دیگر)
از تاریخ تصویب این قانون کلیه مالیات ها و عوارض دیگر دولتی که در داخله یا در سرحدات مالیاتی در داخله ورود و خروج بعمل می آید مانند حقوق گمرکی حق انحصار قندوچای و تاکس راه و حق انحصار دخانیات و ترابک و عوارضی که در سفارتخانهها و قنصلها در خارجه اخذ میشود و وجوه تذکره و ویزا و غیره بر اساس ریال طلا اخذ خواهد شد (ماده ۱۱ - تاریخ رواج)
تاریخ رواج ریال و تاریخ و طرز تبدیل قران

نقل بضایه خانه دولتی و بیمه و مخارج تعیین عیار بعمل خواهد آمد
مخارج تعیین عیار چه در مرکز و چه در ولایات در هر صورت بعد از فروشنده خواهد بود فقط عرضه هائی که بیش از یک کیلوگرام باشد مورد قبول و خرید خواهد شد (ماده ۱۴ - تاریخ اجرا)
این قانون ده روز بعد از تصویب بموقع اجرا گذارده خواهد شد
رئیس - برای استحضار آقایان قرائت شد حالا میروید بکمیسیونهای مربوطه
[۸ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]
رئیس - از طرف آقایان پیشنهاد ختم جلسه شده است بعلاوه برای مطالعه و غور در این لوائح تأخیر جلسه هم لازم است جلسه آینده یکشنبه ۲۵ اسفند سه ساعت قبل از ظهر دستور لوائح موجوده [مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد]
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر